



ویژگیهای اخلاقی مبلغان از منظر شهید مطهری

مرتضی فیروزی

طلیحه

بدون تردید مبلغان دینی با شرایط و ویژگیهای خاص خود، در پاسداری از معارف اسلامی و آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام نقش اساسی دارند و آشنایی با آن و به کارگیری آنها مبلغان گرامی را برای رسیدن به مقصود تبلیغی یاری می‌رساند.

در آستانه شهادت استاد مطهری رحمته‌الله برخی از این ویژگیها را از منظر آن شهید والا مقام و اسوه مبلغان شایسته اسلامی به ارباب تبلیغ تقدیم می‌کنیم؛ چرا که آن بزرگوار در دو عرصه مهم تبلیغی (بیان و قلم) نقش

خود را به شایستگی ایفا کرد.

او با قلمی روان و فکری توانا در تحلیل مسائل اسلامی و توضیح حقایق فلسفی با زبان مردم، بدون تکلف و اضطراب به تعلیم و تربیت جامعه می‌پرداخت.

استاد مطهری رحمته‌الله در کتاب «حماسه حسینی» در مورد اهمیت تبلیغ می‌گوید: «اگر بگویم: مقام تبلیغ اسلام، رساندن پیام اسلام به عموم مردم، به صورت یک مکتب، از مرجعیت کمتر نیست، تعجب نکنید! مقامی است در همان حد.»^۱

۱. حماسه حسینی، ج ۱، ص ۴۱۵.

شکن برای داعیان و مبلغان دین و مذهب است؛ آنان که رسالات الهی را تبلیغ می‌کنند؛ آنان که پیامهای خدا را به مردم می‌رسانند و دو شرط در آنها وجود دارد: یکی اینکه خودشان از خدا می‌ترسند [و دیگر اینکه از غیر خدا نمی‌ترسند]. خودش از خدا می‌ترسد و یک آدم خدا ترس است و خوف و خشیت الهی در قلبش جا گرفته: «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ»^۱؛ «بندگان دانای خدا از او ترس و خشیت دارند.»

قرآن در باره مبلغ، اولین شرطی که در این آیه ذکر می‌کند، خشیت الله است که از خدا بینة و بین الله بترسد، یعنی آن چنان هیبت و عظمت الهی در قلبش ورود دارد [و نفوذ کرده است] که تا تصور یک گناه در قلبش پیدا می‌شود، این خشیت گناه را عقب می‌زند: «وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ»^۲؛ «و جز خدا از احدی نمی‌ترسند.» از خدا

از دیدگاه استاد، مبلغ باید دارای دو شرط اساسی باشد: «اولین و مهم‌ترین آن [دو] شرط، شناختن اسلام به صورت یک مکتب است. فرد مبلغ که می‌خواهد پیامی را به جامعه برساند، باید خودش با ماهیت پیام آشنا باشد، باید بداند هدف این مکتب چیست؟ اصول و پایه‌های این مکتب چیست؟ و... و شرط دوم شناسایی ابزار تبلیغ و مهارت در به کار بردن آنهاست»^۱

در کنار این دو ویژگی اساسی، به بیان اهم شرائط اخلاقی یک مبلغ اسلامی در آثار آن شهید می‌پردازیم.

خشیت الهی

از مهم‌ترین ویژگیهای مبلغ داشتن تقوا و ترس از خداوند برای حفظ حریم الهی است. قرآن کریم می‌فرماید: «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَ يَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ»^۲؛ «کسانی که تبلیغ رسالت‌های الهی می‌کنند و از او می‌ترسند و از هیچ کس جز خدا بیم ندارند.»

استاد مطهری رحمته الله علیه در این باره می‌فرماید: «این آیه از آن آیات کمر

۱. همان، ص ۴۱۷.

۲. احزاب / ۳۹.

۳. فاطر / ۲۸.

۴. احزاب / ۳۹.

چنین توضیح می‌دهد: «پی در پی پیغمبران می‌گویند: «وَأَنْصَحُ لَكُمْ»^۲، «وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ»^۳، «إِنِّي لَكُمْ لَمِنَ النَّاصِحِينَ»^۴، همه‌اش سخن از این است. وقتی که موسی بن عمران علیه السلام با خدای خودش از سنگینی کار سخن می‌گوید، آن سنگینی فقط این نیست که من می‌خواهم در مقابل فرعون با آن قدرت و جباریت سخن بگویم، پس کار سنگین است؛ نه یک سنگینی دیگر است: خدایا! مرا مدد کن که موسایی باشم که موسای دیگر در او وجود نداشته باشد، منی وجود نداشته باشد، خودی وجود نداشته باشد، در نهایت خلوص بتوانم پیام تو را به مردم عرضه بدارم»^۵.

پرهیز از تکلف

از ویژگیهای دیگری که باید مبلغان داشته باشند، پرهیز از تکلف است. تکلف معانی متعددی دارد که

می‌ترسد و از غیر خدا از احدی نمی‌ترسد. البته خشیت یک معنای خاصی دارد که با خوف فرق می‌کند؛ خوف یعنی نگران عاقبت و آینده بودن، فکر و تدبیر برای آینده و عاقبت یک کار کردن، ولی خشیت آن حالتی است که ترس بر انسان مسلط می‌شود و انسان جرئت را از دست می‌دهد. جرئت خود را از دست دادن، یعنی شجاعت نداشتن، شهامت نداشتن...»^۱

نصیحت و خیرخواهی

مبلغ موفق کسی است که در گفتار و سخنش خلوص داشته باشد؛ چرا که او ناصحی دلسوز و خیرخواه باید باشد. کسی می‌تواند مبلغ پیام خدا باشد که در سخنش خلوص باشد؛ یعنی هیچ انگیزه‌ای جز رضای الهی و خیر و مصلحت مردم نداشته باشد و سخنش از سوز دل برخیزد که حکما گفته‌اند: سخن کر جان برون آید، نشیند لاجرم بر دل. و سخنی که فقط از زبان بیرون بیاید و دل از آن بی‌خبر باشد، از گوشهای مردم تجاوز نمی‌کند.

استاد مطهری رحمته الله علیه این ویژگی را

۱. سیری در سیره نبوی، ص ۲۱۸.

۲. اعراف / ۶۲.

۳. همان / ۶۸.

۴. همان / ۲۱.

۵. سیری در سیره نبوی، ص ۱۹۷.

دنیا پیدا کنید و بخواهید همه مسائل را از او سؤال کنید، قهراً نمی‌داند. می‌گویند: همه چیز را همگان دانند. هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که هر چه از مسائل دینی از من پرسید، می‌توانم جواب شما را بدهم.^۱

حضرت علی علیه السلام در کلمات قصار نهج البلاغه این گونه می‌فرماید: «لَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ»^۲ آنچه را که نمی‌دانی، نگو! استاد مطهری رحمته الله در توضیح و تبیین این موضوع با یادآوری سیره علماء گذشته با نقل خاطره‌ای از شیخ اعظم انصاری می‌نویسد: «او مردی بود که در علم و تقوا نابغه روزگار بود و هنوز علماء و فقهاء به فهم دقایق کلام این مرد افتخار می‌کنند؛ می‌گویند: وقتی چیزی از او می‌پرسیدند، اگر نمی‌دانست، تعمد داشت بگوید: نمی‌دانم. می‌گفت: ندانم، ندانم، ندانم. این را می‌گفت که شاگردها یاد بگیرند که اگر چیزی را نمی‌دانند، ننگشان نشود، بگویند نمی‌دانم.»^۳

همه آنها به یک معنی بر می‌گردد و آن این است که انسان چیزی را به زور به خود ببندد. تکلف در مورد سخن هم به کار می‌رود که افرادی به جای اینکه فصیح و بلیغ سخن بگویند، از الفاظ غریب و غیر متعارف استفاده کنند و یا آنچه را که خود اعتقاد ندارند، از روی خودنمایی بیان کنند. استاد مطهری رحمته الله که خود از تکلف و تصنعی بودن برخی خطابه‌ها رنج می‌برد، در کتاب «سیری در سیره نبوی» این گونه می‌گوید: «دردی از این بالاتر نیست که انسان خودش به چیزی اعتقاد نداشته باشد، بعد بخواهد آن اعتقاد را در دل مردم وارد بکند. گفت:

ذات نایافته از هستی بخش

کی تواند که شود هستی بخش

کهنه ابری که بود ز آب تهی

کی تواند که کند آب دهی

کهنه ابری که آب ندارد، چطور

می‌تواند سرزمینها را سیراب کند!

البته معنای دیگری هم برای تکلف گفته شده است؛ قول به غیر علم است که بیشتر مفسرین نیز این معنی را پسندیده‌اند. هر کس دیگر را شما در

۱. همان، ص ۱۹۸.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۳۸۲.

۳. سیری در سیره نبوی، ص ۲۰۰.

عمل به گفته‌های خود

یکی از شاخصهای بسیار مهم تبلیغ، یکرنگی و هماهنگی سخن با عمل مبلغ است.

هماهنگی گفتار و کردار مبلغ تأثیر مثبت و عمیقی بر اطرافیان او به جا می‌گذارد. انسان همواره به عمل برخاسته از تقوا و عدالت و آزادی، بیشتر از سخنان زیبا در باره تقوا و عدالت و آزادی ارج می‌نهد و افرادی که اعمالی در راستای این صفات نیک داشته‌اند، همواره مورد ستایش مردم بوده و هستند. تنها با عمل مطابق با سخن است که مبلغ صداقت خود را در تبلیغ اثبات می‌کند.

استاد مطهری رحمته‌الله درباره این ویژگی مبلغ می‌فرماید: «سخن از زبان بیرون می‌آید و از گوش می‌گذرد، ولی عمل انعکاسی عمیق در روح پدید می‌آورد. پیرامون حق و عدالت و انصاف و کرم و تقوا و گذشت و فداکاری و آزادی سخن زیاد گفته شده و از این جهت کم و کسری وجود ندارد. چیزی که کمتر یافت می‌شود، عمل به حق و طبق عدالت است.

آنچه کمتر یافت می‌شود، خود کرم و تقواست. چیزی که کیمیاست، واقعیت فداکاری و گذشت است... از این روست که بشر کمتر به سخن و گفتار واقعی می‌گذارد، اما در مقابل عمل سر تعظیم فرود می‌آورد؛ یعنی آنجا که با شخصیتی رو به رو می‌شود که حقیقتاً از حق و عدالت منحرف نمی‌شود و تقوا و پرهیزکاری را پیشه می‌سازد و روحی آزاد دارد، خود به خود خاضع و علاقه‌مند می‌شود. این است سر اینکه سخنان حکما و فلاسفه از متون کتب کمتر تجاوز می‌کند، ولی تعلیمات انبیاء جهانگیر می‌شود. پس از قرن‌ها که نظر می‌افکنیم، می‌بینیم موجی که پیامبران و اولیاء خدا ایجاد کرده‌اند، هنوز باقی است. بلکه روز به روز به عظمت و اهمیتش افزوده می‌شود. این موج، موج عمل و پیشقدم شدن است. سخن هرگز نمی‌تواند چنین موج عظیمی را به وجود آورد. موج سخن کوچک و ضعیف است و زود با برخورد به موجی بزرگ‌تر از خود نابود می‌گردد. از سخنان علی علیه‌السلام است که فرمود: «میدان حق برای سخن

وسیع ترین و بارزترین میدانهاست، ولی برای عمل تنگترین میدانهاست.»

در حدیث است که «كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ»^۱ مردم را به سوی خیر و نیکی بخوانید، ولی از ابزار غیر زبان، یعنی با ابزار عمل و پیشقدم شدن. برای هدایت و راهنمایی بشر دو راه است: یکی راه گفتن و نوشتن و دیگری راه پیشقدم شدن. و هرگز گفتن به قدر پیشقدم شدن اثر ندارد.

بزرگان گفته‌اند: دو صد گفته، چون نیم کردار نیست.^۲

مولای مستقیان علی علیه السلام می فرماید: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ اِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ»^۳ کسی که می خواهد پیشوای مردم باشد [و مردم را به دنبال خود به راهی دعوت کند]، پیش از آنکه بخواهد به دیگران یاد بدهد، به خودش تعلیم [و تلقین] کند.»

تواضع و فروتنی

به یقین یکی از مهم ترین عوامل توفیق پیامبران الهی تواضع و فروتنی نسبت به مخاطبان خود بوده است. مبلغ موفق نیز بدون تردید باید از

خودپسندی و تکبر گریزان باشد و فروتنی را نصب العین خود قرار دهد. خداوند سبحان در این باره به پیامبرش دستور می دهد: «وَ اَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»^۴ «مؤمنانی را که از تو پیروی می کنند، زیر بال [محبت] خود بگیر.»

در همین راستا، استاد شهید مطهری رحمته الله علیه می گوید: تواضع و فروتنی از اساس تبلیغ به شمار می رود. کسی که می خواهد پیام خدا را به مردم برساند، باید در مقابل مردم در نهایت درجه فروتن باشد؛ یعنی پر مدعایی نکند، اظهار منیت نکند، مردم را تحقیر نکند. قرآن کریم از زبان حضرت نوح علیه السلام خطاب به قومش می فرماید: «أَوْ عَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِنْكُمْ؟»^۵ آیا تعجب می کنید که پیام پروردگار شما بر مردی از خودتان برای شما آمده است؟» می گوید: من

۱. الکافی، ج ۲، ص ۷۸، ح ۱۴.

۲. حکمتها و اندرزها، ص ۲۲۳.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۷۳.

۴. شعراء / ۲۱۵.

۵. اعراف / ۶۳.

را ببخش و برای آنها آموزش بطلب و در کارها با آنان مشورت کن؛ اما هنگامی که تصمیم گرفتی، بر خدا توکل کن!»

شهید مطهری رحمته الله علیه می فرماید: «کسی که می خواهد پیامی را آن هم پیام خدا را به مردم برساند تا در آنها ایمان و علاقه ایجاد بشود، باید کَلِّينَ القَوْل باشد، نرمش سخن داشته باشد. سخن هم درست مثل اشیاء مادی نرم و سخت دارد؛ گاهی یک سخن را که انسان از دیگری تحویل می گیرد، گویی راحت الحلقوم گرفته؛ یعنی این قدر نرم و ملایم است که دل انسان می خواهد به هر ترتیبی که شده آن را قبول کند. گاهی بر عکس، یک سخن طوری است که گویی اطرافش میخ کوبیده اند، مثل یک سوهان است، آن قدر خار دارد، آن قدر گوشه و کنایه و تحقیر دارد و آن قدر خشونت دارد که طرف نمی خواهد بپذیرد.»^۳

۱. کُهِف / ۱۱۰.

۲. آل عمران / ۱۵۹.

۳. حماسه حسینی، ج ۱، ص ۳۵۶.

مردی از خود شما هستم. و یا خداوند متعال خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ»؛^۱ «بگو من فقط بشری هستم، مثل شما که به من وحی می شود. تنها معبودتان معبود یگانه است.»

نرمی در گفتار

از ویژگیهای دیگر مبلغ نرمی در گفتار و پرهیز از خشونت است. نرمی تنها صفت سخن نیست، بلکه در برخوردها نیز نرم بودن لازم است؛ چرا که با نرمی و نیکی، مردم به سوی دین خدا ترغیب می شوند و با اکراه نمی شود مردم را هدایت کرد.

خدای متعال خطاب به رسول گرامی اش می فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ»؛^۲ «به رحمت الهی، در برابر آنان نرم شدی و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می شدند. پس آنها